

عنوان مقاله:

بازتاب اندیشه هگل در تراژدی آنتیگونه سوفوکل

محل انتشار:

مجله هنرهای زیبا: هنرهای نمایشی و موسیقی، دوره 17، شماره 1 (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

نویسندگان:

فاطمه بنویدی - دانشجوی دکتری فلسفه هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران

فرزان سجودی - عضو هیئت علمی دانشکده سینما و تئاتر، دانشگاه هنر

خلاصه مقاله:

هگل در کتاب پدیدارشناسی روح و در فلسفه هنرهای زیبا خود، به مسئله تراژدی و چگونگی شکل گیری آن می پردازد. اکثر پژوهندگان غربی مدعی هستند که از زمان ارسطو تاکنون هیچ یک از اندیشمندان اروپایی نتوانسته اند تراژدی و کمدی را آن طور که هگل تبیین کرد مورد تحلیل قرار دهند و تاکنون همواره نکته گیری های ژرفش، اندیشمندان پس از او را به تامل واداشته است. نمونه تراژدی یونانی در نظر هگل، آنتیگونه سوفوکل است. هگل در اثر معروف خود فلسفه هنرهای زیبا به شرح و بسط تراژدی آنتیگونه می پردازد. در طول تاریخ فلسفه در حوزه های مختلف رابطه هنر و فلسفه به وضوح مشاهده می شود. اگرچه هگل متن کاملی در مورد زیبایی شناسی منتشر نکرد تا با علم منطق مقایسه کند، این به این معنا نیست، که او هنر و زیبایی را در مرز نظام فلسفی خود پایین آورده، در واقع نظریه زیبایی شناسی هگل از قلب نظام فلسفی اش ناشی می شود، و تنها می تواند دور نمایی از آن سیستم شناخته شود. بر این اساس ما در این اوراق در پی آنیم که بسته به بضاعت خویش، لحظه های بی زمان فراز و فرود تراژدی را، به تحریر کشیده و رخداد «وجدان معذب (آگاهی معذب)» هگلی را شرح داده، «برخورد تراژیک» را مصور کرده و دقیقه ای بازاندیشی کنیم.

کلمات کلیدی:

آنتیگونه، تراژدی، تقدیر تاریخی، سوفوکل، وجدان معذب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1775019>

